

# مقایسه فرایندهای واجی لهجه اصفهانی و زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی

بهرام هادیان<sup>۱\*</sup>، بتول علی‌نژاد<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

پذیرش: ۹۱/۱۰/۱۲

دریافت: ۹۱/۶/۱۹

## چکیده

هدف این تحقیق، توصیف و تحلیل چند فرایند واجی پربسامد در لهجه اصفهانی و مقایسه آن با فارسی معیار در چارچوب نظریه بهینگی است که نظریه‌ای نوین در واج‌شناسی است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده و در گردآوری داده‌ها از روش میدانی استفاده شده است. بدین منظور، ده ساعت از مکالمه گویشوران بین سی تا پنجاه سال ضبط و سپس این داده‌ها آوانویسی و دسته‌بندی شده است. بدین ترتیب، با بررسی داده‌ها در چارچوب اصول واج‌شناسی بهینگی، مهم‌ترین محدودیت‌های حاکم بر صورت‌های بهینه در لهجه اصفهانی فارسی معیار مشخص شده است. از مهم‌ترین فرایندهای موجود در این لهجه، فرایند تبدیل واکه به غلت، هماهنگی واکه‌ای و ناهمگونی همخوان و واکه مطالعه شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد صورت‌های بهینه در لهجه اصفهانی و لهجه معیار متفاوت است و در اکثر موارد محدودیت‌های نشان‌داری بر صورت‌های بهینه لهجه اصفهانی حاکم است؛ درحالی که در لهجه معیار، محدودیت‌های پایایی در سلسله‌مراتب محدودیت‌ها بر بقیه تسلط دارند.

واژه‌های کلیدی: لهجه اصفهانی، بهینگی، محدودیت، هماهنگی، ناهمگونی.

## ۱. مقدمه

هر زبانی در طول تاریخ حیات خود تحت تأثیر عوامل جغرافیایی، فرهنگی، مهاجرت، برخورد

با زبان‌های دیگر و غیره دستخوش دگرگونی‌های فراوانی می‌شود که در نتیجه آن گونه‌ها و صورت‌های متفاوت پدیدار می‌شود. از این گونه‌های متفاوت می‌توان دو مفهوم گویش و لهجه را نام برد. یول<sup>۱</sup> (195: 1947) با تمایز قائل شدن بین این دو مفهوم، معتقد است «لهجه» به جنبه‌های تلفظی محدود است و مشخص می‌کند فرد متکلم از نظر منطقه‌ای یا اجتماعی اهل کجاست؛ درحالی که «گویش» ویژگی‌های دستوری و واژگانی و همچنین تلفظی را دربرمی‌گیرد. هادسون<sup>۲</sup> (1996: 42) نیز بر این باور است: «تلفظ بیشتر از دستور و واژگان، به گونه‌های زبانی جغرافیایی و اجتماعی حساس است؛ به طوری که می‌توان بین لهجه و گویش این‌گونه تمایز قائل شد که لهجه به تلفظ اشاره دارد و گویش به دیگر جنبه‌های زبان». براساس این تعریف‌ها، از آنجایی که لهجه اصفهانی برای سایر فارسی‌زبانان قابل فهم است، در این تحقیق از آن با عنوان لهجه اصفهانی نام برده می‌شود.

شهرستان اصفهان در مرکز ایران و در دشت زاینده‌رود واقع شده است. طبق آمارنامه استان اصفهان (۱۳۸۸)، این شهر دارای ۱,۷۴۵,۴۲۸ نفر جمعیت است. با توجه به اینکه در مناطق مختلف شهر اصفهان از نظر لهجه‌ای تفاوت‌هایی هرچند کم وجود دارد، در این تحقیق فقط لهجه اهالی محله‌های اطراف میدان امام بررسی شده است.

تحقیق حاضر مهم‌ترین فرایندهای واجی در لهجه اصفهانی را در چارچوب نظریه بهینگی بیان می‌کند. لهجه اصفهانی یکی از لهجه‌های مرکزی ایران است. از ویژگی‌های آوایی آن این است که در این لهجه به جای آوای انسایشی [dʒ] و [tʃ] موجود در فارسی معیار، آوای [ts] و [dz] تلفظ می‌شود. منظور از فارسی معیار، آن گونه زبانی است که در فارسی صدا و سیمای ایران و گویندگان خبر تلفظ می‌شود. در این مقاله گونه معیار، صورت واجی و درون‌داد در نظر گرفته شده و در لهجه اصفهانی گونه تولیدی و تلفظ گفتاری مورد توجه بوده است. از آنجایی که لهجه اصفهانی گونه‌ای از زبان معیار است، صورت‌های معیار به‌عنوان درون‌داد تلقی می‌شود.

این تحقیق به شیوه توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نگارندگان برای گردآوری داده‌ها از این منابع استفاده کرده‌اند: ۱. یکی از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی؛ ۲. ضبط ده ساعت مکالمه پنج نفر از گویشوران بین سی تا پنجاه سال؛ ۳. کتاب فارسی اصفهانی نوشته کلباسی (۱۳۷۰). پس از گردآوری داده‌ها، به‌منظور شناخت فرایندهای آوایی و واجی، داده‌ها

دسته‌بندی شده است. درضمن، آوانویسی کلمات براساس جدول IPA صورت گرفته است. بررسی گویش‌ها و لهجه‌ها راهی است به‌سوی پربارتر کردن مطالعات زبان فارسی؛ همچنین به شرح و تفسیر متون ادبی و مطالعات تاریخی- تطبیقی دربارهٔ زبان‌های ایرانی بسیار کمک می‌کند. به‌علاوه، آگاهی از چگونگی دگرگونی آوایی مناطق مختلف ایران مواد لازم برای شناخت شاخه‌های زبان‌های ایرانی را فراهم می‌کند و ارتباط میان این شاخه‌ها را نشان می‌دهد. علاوه‌بر این، شناخت ادبیات گفتاری هر منطقه بخشی از زبان و هویت ملی جامعه به‌شمار می‌آید. لهجهٔ اصفهانی از لهجه‌های مرکزی ایران است که مانند بسیاری از لهجه‌های دیگر به‌دلیل تداخل با فارسی معیار، درحال فراموش شدن است و گویشوران این لهجه ترجیح می‌دهند بیشتر از لهجهٔ معیار استفاده کنند. بنابراین، لزوم تحقیق و بررسی‌های زبان‌شناختی در این لهجه وجود دارد. درنهایت، مجموعهٔ گردآوری‌شدهٔ مطالعهٔ گویش‌ها و لهجه‌ها به تهیهٔ اطلس زبان‌شناسی ایران کمک خواهد کرد.

## ۲. پیشینهٔ تحقیق

تاکنون چندین اثر دربارهٔ لهجهٔ اصفهانی نوشته شده که به مطالعهٔ جنبه‌های مختلف این لهجه پرداخته‌اند. ناصر دادمان (۱۳۵۵) در کتابی با عنوان *دستور زبان، تطوّر و فرهنگ لهجهٔ اصفهان* دستور زبان، صرف فعل و قواعد مربوط به آن را بررسی کرده است. احمد تفضلی (۱۳۵۰) در مقاله‌ای با عنوان «اطلاعاتی درمورد لهجهٔ پیشین اصفهان» به بررسی تاریخی لهجهٔ اصفهان پرداخته است. ایران کلباسی دربارهٔ لهجهٔ اصفهانی دو اثر به نام‌های *فارسی اصفهانی* (۱۳۷۰) و *گویش کلیمیان اصفهان* (۱۳۷۳) نوشته است. کلباسی (۱۳۷۰) جامع‌ترین اثر را دربارهٔ لهجهٔ اصفهانی نگاشته است. او در کتاب *فارسی اصفهانی* به تعریف زبان، لهجه و تفاوت میان آن‌ها پرداخته و سپس دربارهٔ سابقهٔ تاریخی لهجهٔ اصفهان و خاستگاه آن در بین زبان‌های ایرانی سخن گفته است. این کتاب در سه فصل تنظیم شده است: فصل اول به ویژگی‌های آوایی، فصل دوم به عناصر دستوری و فصل سوم به واژگان اختصاص دارد. سپنتا (۱۳۷۶) مقاله‌ای با عنوان «بررسی گوشه‌هایی از نظام آوایی چند گویش مرکزی ایران» در مجلهٔ *نامه فرهنگستان* به چاپ رسانده است. او در مقاله‌اش شماری از گویش‌های اطراف اصفهان از قبیل میمه‌ای، گزی، کوه‌پایه‌ای و جرقویه‌ای و به‌طور خلاصه نظام آوایی،

ساخت هجایی، عناصر نوایی و واژگان این گویش‌ها را بررسی کرده و همچنین از همخوان‌های [ts] و [dz] و چند مورد دیگر از نظام آوایی مشترک بین این گویش‌ها با لهجه اصفهانی یاد کرده است. در چارچوب نظری بهیگی، تاکنون درباره لهجه‌های زبان فارسی تحقیق مهمی انجام نشده است.

### ۳. اصول نظری واج‌شناسی بهیگی

واج‌شناسی بهیگی شامل تعدادی محدودیت‌های<sup>۲</sup> جهانی قابل نقض<sup>۳</sup> است که بر درون‌داد (زیرساخت) اعمال می‌شوند تا برون‌داد بهینه- که کمترین تخلف را از این محدودیت‌ها دارد- حاصل شود. این محدودیت‌ها از نوع پایایی<sup>۴</sup> و نشان‌داری<sup>۵</sup> است؛ به طوری که محدودیت‌های نشان‌داری مستلزم وجود ساخت‌های بی‌نشان در برون‌داد (روساخت) هستند و محدودیت‌های نوع پایایی ناظر بر عدم تغییر ساختاری درون‌داد. این محدودیت‌ها اغلب با یکدیگر در تعارض‌اند. برای مثال، محدودیت نشان‌داری بازنمایی برون‌دادی را ترجیح می‌دهد که بی‌نشان است؛ اما اگر درون‌داد نشان‌دار باشد، محدودیت پایایی مستلزم ثابت ماندن این ساخت در برون‌داد است؛ این‌گونه تعارض‌ها در نظریه بهیگی با رتبه‌بندی محدودیت‌ها به منظور استخراج برون‌داد بهینه برطرف می‌شود. محدودیت بالاتر در تعیین برون‌داد بهینه بر محدودیت پایین‌تر برتری دارد. البته، بسته به نوع زبان، تخطی از یک محدودیت جریمه بیشتری نسبت به محدودیت‌های دیگر دارد؛ به عبارت دیگر ترتیب محدودیت‌ها در زبان‌های مختلف، متفاوت است.

همه محدودیت‌ها در همه زبان‌ها وجود دارند؛ اگرچه بسیاری از این محدودیت‌ها به طور معمول در تعیین برون‌داد تأثیر کمی دارند یا اصلاً بدون تأثیرند؛ زیرا در ترتیب محدودیت‌ها در سطح پایینی قرار دارند. محدودیت‌های جهانی در بالای هر ستون قرار می‌گیرند؛ به طوری که ترتیب محدودیت‌ها از چپ به راست، بالاترین تا کمترین رتبه است. بنابراین، هر محدودیت بر تمام محدودیت‌های سمت راست خود مسلط است. برون‌داد نهایی نتیجه اعمال سلسله‌مراتب محدودیت‌ها بر گزینه‌های مختلف است که به طور بالقوه می‌توانند برون‌داد باشند. به عبارت دیگر، برون‌داد بهینه گزینه‌ای خواهد بود که کمترین نقض سلسله‌مراتب محدودیت‌ها را دارد.

به این ترتیب، نظریهٔ بهینگی با نظریه‌های اشتقاقی قبلی چند تفاوت اساسی دارد و جدای از اینکه هیچ‌گونه قاعدهٔ واجی و بازنمود میانی در این نظریه وجود ندارد، محدودیتی هم برای تعداد بازنمودهای دروندادی وجود ندارد؛ زیرا براساس اصول عام آواشناسی، در زیرساخت بی‌نهایت گونهٔ آوایی برای هر واژه مشخص می‌شود که به این امر شمول یا آزادی تجربه<sup>۷</sup> گفته می‌شود (بی‌جن‌خان، ۱۳۸۴: ۳۷). بازنمود زیرساختی به‌طور مستقیم از واژگان<sup>۸</sup> وارد بخش واجی دستور می‌شود (McCarthy, 2004: 141)؛ به این معنا که برون‌داد نهایی نتیجهٔ تعامل محدودیت‌های نشان‌داری و پایایی است نه پیامد محدودیت‌های درون واژگان. در نظریهٔ بهینگی، محدودیت‌های نشان‌داری و پایایی از ویژگی‌های واحدهای زنجیری، زبرزنجیری و ساخت هجا مایه می‌گیرند.

#### ۴. تحلیل داده‌ها

##### ۴-۱. تبدیل واکه به غلت

ساخت هجای هر زبانی محدودیت‌هایی دارد که ممکن است خاص آن زبان باشد و باعث می‌شود آرایش همخوان‌ها و واکه‌ها در هجای آن زبان ترتیب و الگوی خاص خود را داشته باشد. ولی بعضی از محدودیت‌های ساخت هجا عام‌تر هستند که برای نمونه می‌توان به محدودیت التقای واکه اشاره کرد که منطبق با اصل مرز اجباری (McCarthy, 1988) است: «هیچ دو عنصر مشابهی نباید در مجاورت یکدیگر قرار گیرند». بنابراین، در زبان فارسی برای پرهیز از التقای واکه‌ها یک همخوان میانجی بین دو واکه درج می‌شود. اکنون، به بررسی این محدودیت در لهجهٔ اصفهانی می‌پردازیم.



## جدول ۱ تبدیل واکه به غلت

واژه	واج نویسی معیار لهجه اصفهانی	واژه	واج نویسی معیار لهجه اصفهانی	واژه	واج نویسی معیار لهجه اصفهانی
۱. پایین	/pajin/	۹. می آبی	/mijaji/	[mijaj]	
۲. چایی	/tʃaji/	۱۰. بیایی	/bijaji/	[bijaj]	
۳. دابی	/daji/	۱۱. پسته‌ای	/pesteʔi/	[pestej]	
۴. تویی	/toji/	۱۲. زاییدن	/zajidan/	[zajdan]	
۵. کجایی	/kodʒaji/	۱۳. پاییدن <sup>۹</sup>	/pajidan/	[pajdan]	
۶. کربلایی	/carbalaji/	۱۴. پاییز	/pajiz/	[pajz]	
۷. نانوائی	/nanvaji/	۱۵. زائو	/zaʔu/	[zaw]	
۸. دمپایی	/dampaji/	۱۶. کاکائو	/kakaʔu/	[kakaw]	

واج‌های /j/ و /w/ گونه‌های همخوانی واکه‌های افراشته /i/ و /u/ هستند که در حاشیه هجا قرار می‌گیرند و نمی‌توانند مانند واکه امتداد و دیرش داشته باشند. به عبارت دیگر، غلت‌های [j, w] صورت‌های لحظه‌ای واکه‌های افراشته [i, u] هستند. اگر هنگام تلفظ دو همخوان /j/ و /w/ مدت زمان گیرش را زیاد کنیم، این دو همخوان به نوع واکه‌ای خود یعنی /i/ و /u/ تبدیل خواهد شد (Kenstowicz, 1994: 23).

غلت‌ها در فرایندهای واجی زیادی با نوع واکه‌ای خود شرکت می‌کنند و در برخی بافت‌ها در محیط بین دو واکه نقش همخوان میانجی را ایفا می‌کنند.

همان‌طور که در جدول شماره یک مشاهده می‌شود، در لهجه اصفهانی برای پرهیز از التقای واکه، واکه دوم به نوع غلت معادل خود تبدیل می‌شود؛ درحالی که در گویش معیار فرایند درج بین دو واکه رخ می‌دهد. به عبارت دیگر؛ در درون‌داد التقای دو واکه وجود دارد و واج میانجی در آن وجود ندارد؛ بلکه در لهجه معیار به‌منظور جلوگیری از التقای دو واکه درج می‌شود. برای توضیح این مطلب در چارچوب نظریه بهینگی می‌توان محدودیت‌های زیر را در نظر گرفت:

۱. هر عنصر برون‌داد یک عنصر متناظر در درون‌داد دارد: DEP-IO

همان‌طور که در داده‌ها هم دیده می‌شود، بسته به اینکه واکه دوم پیشین باشد یا پسین، در برون‌داد به یکی از غلت‌های j یا w تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، درون‌داد و برون‌داد در

ویژگی [back] یکسان است. بنابراین، می‌توان محدودیت زیر را برای آن مطرح کرد:

۲. ارزش ویژگی [back] در درون‌داد و برون‌داد یکسان است: IDENT-IO [back]

سرانجام، محدودیت مجاز نبودن التقای واکه در برون‌داد:

۳. التقای واکه در کلمه مجاز نیست: \*vv

همچنین، محدودیت پایایی ناظر بر نگاشت همانی ویژگی [cons] در درون‌داد و برون‌داد

است:

۴. ارزش مشخصه [cons] در درون‌داد و برون‌داد یکسان است: IDENT-IO [cons]

در سلسله‌مراتب محدودیت‌ها، محدودیت التقای واکه بر سایر محدودیت‌ها مسلط است؛

زیرا مانع از ظاهر شدن التقای واکه در برون‌داد می‌شود. همچنین، از بین محدودیت‌های ۱ و

۲، محدودیت ۲ بر دیگری تسلط دارد؛ زیرا نقض این محدودیت باعث برون‌دادی می‌شود که

در هیچ‌یک از گویش‌های زبان فارسی دیده نشده است. به این ترتیب، رده‌شناسی فاکتوریل

محدودیت‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ شامل ۲۴ جایگشت است که از بین آن‌ها جایگشت زیر بیانگر نظام

سلسله‌مراتبی محدودیت‌های مسئول تبیین این فرایند در لهجه اصفهانی است:

\*vv >> IDENT-IO [back] >> DEP-IO >> IDENT-IO [cons]

تابلو ۱ تبدیل واکه به غلت در لهجه اصفهانی

IDENT-IO [cons]	DEP-IO	IDENT-IO [back]	*vv	/carbalai/
*				[carbelaɟ]
	*!			[carbalaɟi]
			*!	[carbalai]
	*	*!		[carbalaɟi]
*		*!		[carbalaw]

این درحالی است که نظام سلسله‌مراتبی محدودیت‌ها برای لهجه معیار متفاوت بوده و

محدودیت پایایی شماره ۱ که ناظر بر عدم اضافه یا کم شدن واج‌ها در گذر از درون‌داد به

برون‌داد است، در جایگاه نهایی قرار دارد و دارای اهمیت کمتری است:

\*vv >> IDENT-IO [cons] >> IDENT-IO [back] >> DEP-IO



تابلو ۲ لهجه معیار

DEP-IO	IDENT-IO [cons]	IDENT-IO [back]	*vv	/carbalai/
	*			[carbelaj]
*				[carbalaji]
			*!	[carbalai]
*		*!		[carbalawi]
	*	*!		[carbalaw]

در بین داده‌های لهجه اصفهانی، علاوه بر واکه پیشین /i/ در بعضی از موارد (مانند واژه «زائو») واکه /u/ هم پس از حذف همخوان چاکنایی نقش واکه دوم را در التقای واکه دارد که در برون‌داد به نوع غلت خود تبدیل می‌شود. این موارد نیز نوعی التقای واکه به‌شمار می‌آیند؛ زیرا همخوان‌های چاکنایی /h/ و /ʔ/ در بیشتر لهجه‌ها و گویش‌ها توزیع ناقص دارند؛ یعنی فقط در ابتدای هجا یا کلمه دیده می‌شوند و در مواضع میانی و پایانی کلمه حضور ندارند یا کمتر دیده می‌شوند. از این‌رو، در تلفظ معمولاً حذف می‌شوند. همان‌طور که گفته شد، در بعضی از داده‌های بالا پس از حذف این همخوان‌ها، واکه /u/ در جایگاه دوم التقای واکه قرار می‌گیرد.

#### ۲-۴. هماهنگی واکه‌ای در یک تکواژ

هماهنگی واکه‌ای نوعی هماهنگی بین واکه‌هاست که طی آن واکه‌های موجود در یک کلمه در بعضی از ویژگی‌ها با یکدیگر همگون می‌شوند. آرلاتو<sup>۱۱</sup> (۱۳۷۳: ۸۵) معتقد است اگرچه هماهنگی واکه‌ای به فراوانی همگونی همخوان‌ها نیست، در زبان‌ها بسیار معمول است. تفاوت این فرایند با دیگر فرایندهای واجی در این است که معمولاً همه ویژگی‌هایی که برای تمایز واکه‌ها استفاده می‌شوند، مانند ویژگی‌های [پسین]، [گرد] و [افراشته] می‌توانند در این فرایند شرکت کنند (Kenstowicz, 1994: 347). در این فرایند ممکن است یک یا چند ویژگی یک واکه با واکه دیگر در همان کلمه یا تکواژ هماهنگ شود؛ گاهی نیز تمام ویژگی‌های یک واکه شبیه ویژگی‌های واکه دیگر می‌شود. این فرایند در لهجه اصفهانی نیز فعال است.<sup>۱۱</sup>



جدول ۲ هماهنگی واکه‌ای

واژه	واج‌نویسی معیار	لهجه اصفهانی	واژه	واج‌نویسی معیار	لهجه اصفهانی
۱. سفید	/sefid/	[sifid]	۹. بلیط	/belit/	[bilit]
۲. شوید	/ʃevid/	[ʃivid]	۱۰. کلید	/celid/	[cilit]
۳. بشین	/beʃin/	[biʃin]	۱۱. سیبیل	/sebil/	[sibil]
۴. جلیقه	/dʒeliGe/	[dziliGe]	۱۲. بخیشان	/beχisan/	[biχisun]
۵. بریز	/beriz/	[biriz]	۱۳. بچین	/betʃin/	[bitsin]
۶. بگیر	/bejir/	[bijir]	۱۴. گلیم	/jelim/	[jilim]
۷. ببین	/bebin/	[bibin]	۱۵. گریس <sup>۱۶</sup>	/jeris/	[jiris]
۸. بمیر	/bemir/	[bimir]			

در داده‌های جدول شماره دو، واکه میانی /e/ به واکه‌های افراشته موجود در همان واژه، یعنی واکه /i/ تبدیل شده است. به عبارت دیگر، بین واکه پیشین /e/ و واکه پیشین و افراشته /i/ در ویژگی افراستگی هماهنگی واکه‌ای کامل رخ می‌دهد.

در چارچوب نظریه بهیگی، اولین محدودیت نشان‌داری آزاد از بافت محدودیت شماره ۵ است که ناظر بر نشان‌داری واکه متوسط است:

۵. متوسط بودن ارتفاع زبان برای واکه‌ها مجاز نیست: \*mid

در تمام داده‌های ارائه‌شده افراشته شدن واکه میانی مستلزم این است که هجای مورد نظر باز باشد؛ یعنی پایانه نداشته باشد. بنابراین، می‌توان این محدودیت را این‌گونه مطرح کرد:

۶. توالی هجای (Ce, CiX) مجاز نیست: \*-back (mid high)

همچنین، محدودیت پایایی ناظر بر حفظ ویژگی [high] از درون‌داد به برون‌داد است.

۷. ارزش ویژگی [high] در درون‌داد و برون‌داد یکسان است: IDENT-IO [high]

رده‌شناسی فاکتوریل محدودیت‌های ۵، ۶ و ۷ شامل ۶ جایگشت است که از بین آن‌ها جایگشت زیر بیانگر نظام سلسله‌مراتبی محدودیت‌ها در ارتباط با این فرایند در لهجه اصفهانی است:



\*-back (mid high) >> \*mid >> IDENT-IO [high]

به این ترتیب، محدودیت \*-back (mid high) بر سایر محدودیت‌ها تسلط دارد؛ زیرا مانع از ظاهر شدن واکه [e] قبل از واکه افراشته [i] می‌شود.

تابلو ۳ همانگی واکه‌ای در لهجه اصفهانی

/sefid/	*-back (mid high)	*mid	IDENT-IO [high]
☞ [sifid]			*
[sefid]	*!	*	
[sefed]		*!	*
[sifed]		*!	**

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، صورت بهینه [sefid] در زبان فارسی دو محدودیت اول را نقض می‌کند و می‌توان برای ظاهر شدن آن در زبان فارسی جایگشت زیر را مطرح کرد:

IDENT-IO [high] >> \*mid >> \*-back (mid high)

### ۳-۴. ناهمگونی در خوشه همخوانی

ناهمگونی یکی از فرایندهای واجی است که طی آن شباهت دو واحد واجی به یکدیگر کمتر می‌شود؛ زیرا یکی از دو واحد واجی مشابه درجهت تمایز و افتراق تغییر می‌کند. البته، به اعتقاد آرلاتو (۱۳۷۳: ۱۲۵)، این فرایند-که درست عکس همگونی است- بسیار غیرمعمول‌تر از آن است. ناهمگونی نشان‌دهنده پویایی در تناوب‌های واجی از نظر هم‌زمانی و یا نمودار کاهش محدودیت در واژگان از نظر آماری است. به عبارت دیگر، فرایند ناهمگونی برای تمایز بیشتر در واژگان رخ می‌دهد.

## جدول ۳ ناهمگونی در خوشه همخوانی

واژه	واج نویسی معیار	لهجه اصفهانی	واژه	واج نویسی معیار	لهجه اصفهانی
۱. اشکال <sup>۱۲</sup>	/eʃcal/	[ʔeʃgal]	۱۰. گوشته	/guʃte/	[guʃde]
۲. دفتر	/daftar/	[dafdar]	۱۱. می شکند	/mifecofad/	[miʃgofed]
۳. جوشکار	/dʒuʃcar/	[dʒuʃgar]	۱۲. می شکاند	/mifecafad/	[miʃgafed]
۴. مشکل	/moʃcel/	[moʃjel]	۱۳. ناشتا	/naʃta/	[naʃda]
۵. خشکیدن	/xofcidan/	[xofʒidan]	۱۴. هشتاد	/haʃtad/	[haʃdad]
۶. نصفه	/nesfe/	[nesve]	۱۵. هفته	/hafte/	[hafde]
۷. عکس <sup>۱۴</sup>	/acs/	[ʔasʒ]	۱۶. باختی	/baχti/	[baχdi]
۸. پرستار	/parastr/	[parasdar]	۱۷. افتاد	/oftad/	[ʔofdad]
۹. زشته <sup>۱۵</sup>	/zeʃte/	[zeʃde]	۱۸. محفل	/mahfel/	[mar:vel]

همان‌طور که در داده‌های جدول شماره سه مشاهده می‌شود، در لهجه اصفهانی همخوان کامی، انسدادی و بی‌واک /k/ و /c/ هنگامی که پس از واج سایشی /ʃ/ و /s/ به‌کار رود، در برون‌داد به‌صورت نوع واکدار خود یعنی /j/ و /g/ نمود پیدا می‌کند. در تناوب بین دو واج /k/ و /g/ واج /k/ به‌عنوان درون‌داد در نظر گرفته می‌شود و در فرایند واکدارشدگی پس از همخوان گرفته بی‌واک به برون‌داد می‌رسیم. همچنین، این داده‌ها نشان می‌دهد فرایند واکدار شدن همخوان بی‌واک دوم در خوشه‌های /k, ʃk, st, ʃt, sk, ft و χt صورت گرفته است. دلیل اصلی این ناهمگونی اصل مرز اجباری<sup>۱۶</sup> است (Goldsmith, 1974: 63; McCarthy, 1988: 208) که طبق آن:

هیچ دو عنصر مشابهی نباید در مجاورت هم باشند: OCP

البته، به‌طور ویژه در این فرایند این محدودیت با توجه به ویژگی [voice] عمل می‌کند:

۸. هیچ دو عنصر مشابه از نظر ویژگی [voice] نباید در مجاورت هم باشند: OCP [voice]

از محدودیت‌های جهانی قابل نقض، محدودیت پایایی ناظر بر حفظ ویژگی [voice] از

درون‌داد به برون‌داد است.

۹. ارزش ویژگی [voice] در درون‌داد و برون‌داد یکسان است: IDENT-IO [voice]



رده‌شناسی فاکتوریل محدودیت‌های یادشده شامل دو جایگشت است که از بین آن‌ها جایگشت زیر بهترین نظام سلسله‌مراتبی برای توجیه این فرایند در لهجه اصفهانی است؛ زیرا در آن محدودیت [voice] OCP بر محدودیت پایایی تسلط دارد و در نتیجه مانع از ظاهر شدن دو همخوان بی‌واک در مجاور هم در برون‌داد می‌شود:

OCP [voice] >> IDENT-IO [voice]

تابلو ۴ ناهمگونی در خوشه همخوانی در لهجه اصفهانی

/ʔeʃcal/	OCP [voice]	IDENT-IO [voice]
↻[ʔeʃgal]		*
[ʔeʃcal]	*!	

اما در فارسی معیار نظام سلسله‌مراتبی برعکس این بوده و محدودیت شماره ۸ بر محدودیت شماره ۹ اولویت دارد.

تابلو ۵ ناهمگونی در خوشه همخوانی در لهجه معیار

/ʔeʃcal/	IDENT-IO [voice]	OCP [voice]
[ʔeʃgal]	*!	
↻[ʔeʃcal]		*

#### ۴-۴. ناهمگونی واکه‌ای

همان‌طور که در داده‌های شماره ۴ مشاهده می‌شود، در این کلمات در فارسی معیار، هم واکه هجای اول و هم واکه هجای دوم، /a/ است. در واقع، نوعی هماهنگی واکه‌ای طبیعی در هجای اول و دوم دیده می‌شود؛ اما در لهجه اصفهانی واکه /a/ در هجای دوم به واکه /e/ تبدیل می‌شود. با این فرایند، شباهت واکه هجای دوم با واکه هجای اول کمتر می‌شود که در واقع نوعی ناهمگونی شناخته می‌شود.

جدول ۴ ناهمگونی واکه‌ای

واژه	واج‌نویسی معیار	لهجه اصفهانی	واژه	واج‌نویسی معیار	لهجه اصفهانی
۱. پشمک	/paʃmac/	[paʃmec]	۱۲. قفس	/Gafas/	[Gafes]
۲. نمک	/namac/	[namec]	۱۳. غلط	/Galat/	[Galet]
۳. سرک	/sarac/	[sarec]	۱۴. شربت	/ʃarbat/	[ʃarbet]
۴. عدس	/adas/	[ʔades]	۱۵. شبدر	/ʃabdar/	[ʃabder]
۵. اول	/avval/	[ʔavvel]	۱۶. دفتر	/daftar/	[dafder]
۶. همش	/hamafʃ/	[hameʃ]	۱۷. خرک	/χarac/	[χarec]
۷. رمضان	/ramazan/	[ramezun]	۱۸. نمد	/namad/	[named]
۸. عطش	/ataʃ/	[ʔateʃ]	۱۹. خیر	/χabar/	[χaber]
۹. علف	/alaf/	[ʔalef]	۲۰. بدتر	/badtar/	[batter]
۱۰. عمله	/amale/	[ʔamele]	۲۱. مگس	/majas/	[majes]
۱۱. عوض	/avaz/	[ʔavez]	۲۲. کمر	/camar/	[camer]

در این فرایند نیز محدودیت جهانی اصلِ مرزِ اجباری در تغییر درجهٔ افراستگی واکه‌ها در برون‌داد نقش اصلی دارد با این تفاوت که در این نوع داده‌ها بین دو واکه یک همخوان وجود دارد؛ ولی با درنظر گرفتن اینکه واکه‌ها و همخوان‌ها در دو لایهٔ مستقل قرار دارند، این دو واکه در مجاورت هم هستند و یکسان بودن آن‌ها مغایر با اصل مرز اجباری است. در نظام سلسله‌مراتبی محدودیت‌ها، محدودیت مرز اجباری بر محدودیت پایایی تسلط دارد:

OCP [vowel] >> IDENT-IO

تابلو ۶ ناهمگونی واکه‌ای

/namac/	OCP [vowel]	IDENT-IO
$\left[ \begin{array}{ccc} & a & e \\ \leftarrow & n & m & c \end{array} \right]$		*
$\left[ \begin{array}{ccc} & a & a \\ \leftarrow & n & m & c \end{array} \right]$	!*	

## ۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مجموعه داده‌های تحقیق و تحلیل آن‌ها، فرایندهای تبدیل واکه به غلت، هماهنگی واکه‌ای و ناهمگونی همخوان و واکه، از فرایندهای پربسامد در لهجه اصفهانی است. البته، در این مقاله همه فرایندهای واجی موجود در لهجه اصفهانی ذکر نشده؛ بلکه پربسامدترین آن‌ها بررسی شده است. به علاوه، تحلیل این داده‌ها در چارچوب بهینگی نشان می‌دهد صورت‌های بهینه در لهجه اصفهانی و لهجه معیار متفاوت است و در اکثر موارد محدودیت‌های نشان‌داری بر صورت‌های بهینه لهجه اصفهانی حاکم است؛ به این ترتیب که برای فرایند اول یعنی تبدیل واکه به نوع غلت خود، ترتیب سلسله‌مراتب محدودیت‌ها در این لهجه به این صورت است:

\*vv >> IDENT-IO [back] >> DEP-IO >> IDENT-IO [cons]

ولی در لهجه معیار این ترتیب متفاوت و به این شکل است:

\*vv >> IDENT-IO [cons] >> IDENT-IO [back] >> DEP-IO

برای هماهنگی واکه‌ای در یک تکواژ، از بین جایگشت‌های ممکن محدودیت‌ها، ترتیب زیر

این فرایند را در لهجه اصفهانی توجیه می‌کند:

\*-back (mid high) >> \*mid >> IDENT-IO [high]

و برای لهجه معیار سلسله‌مراتب محدودیت‌های زیر برون‌داد حاصل را توجیه می‌کنند که در آن محدودیت ناظر بر یکسان بودن ارزش ویژگی [high] در درون‌داد و برون‌داد بر بقیه محدودیت‌ها تسلط دارد:

IDENT-IO [high] >> \*mid >> \*-back (mid high)

در نهایت، برای ناهمگونی در خوشه همخوانی و ناهمگونی واکه‌ای به ترتیب جایگشت‌های زیر مطرح می‌شود:

OCP [voice] >> IDENT-IO [voice]

OCP [vowel] >> IDENT-IO

ولی معادل آن در لهجه معیار اصل مرز اجباری را نقض می‌کند:

IDENT-IO [voice] >> OCP [voice]

IDENT-IO >> OCP [vowel]

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. Yule
2. Hudson

3. constrains
4. violable
5. faithfulness
6. markedness
7. inclusivity or freedom of analysis
8. lexicon

۹. به معنای مواظب بودن

#### 10. Arlotoo

۱۱. فرایند افراشتگی در بعضی لهجه‌های دیگر از جمله برخی واژه‌های لهجه تهران وجود دارد.

۱۲. مانند گریس‌کاری کردن

۱۳. در این مقاله انسداد چاکنایی آغازین فقط در برون‌داد (صورت آوایی) نشان داده می‌شود؛ زیرا

نقش واجی ندارد.

۱۴. در این مورد فرایند قلب نیز رخ داده است.

۱۵. زشت است.

#### 16. Obligatory Contour Principle (OCP)

### ۷. منابع

- آرتوتو، آنتونی (۱۳۷۳). *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*. ترجمه یحیی مدرسی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بی‌جن‌خان، محمود (۱۳۸۴). *واج‌شناسی نظریه بهینگی*. تهران: سمت.
- تفضلی، احمد (۱۳۵۰). «اطلاعاتی درمورد لهجه پیشین اصفهان». *نامه مینوی*. تهران: سنایی. صص ۸۵-۱۰۳.
- دامان، ناصر (۱۳۵۵). *دستور زبان و تطور فرهنگ لهجه اصفهانی*. اصفهان: مشعل.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان اصفهان (۱۳۸۸). *آمارنامه استان اصفهان*. اصفهان.
- سپینتا، ساسان (۱۳۷۶). «بررسی گوشه‌هایی از نظام آوایی چندگوشه مرکزی ایران». *نامه فرهنگستان*. ش ۲. صص ۸۴-۶۹.
- کامبوزیا کرد زعفرانلو، عالیه (۱۳۸۲). «ساخت اسم‌های تحبیبی در زبان انگلیسی». *مجله زبان و ادبیات دانشگاه سیستان و بلوچستان*. ش ۱. صص ۱۲۳-۱۳۱.



- کلباسی، ایران (۱۳۷۰). *فارسی اصفهانی*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). *گوش کلیمیان اصفهان (یک گوش ایرانی)*. تهران: پژوهشگاه

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Crystal, D. (1992). *An Encyclopedic Dictionary of Language & Languages*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Goldsmith, J. (1974). *Autosegmental and Metrical Phonology*. Oxford: Blackwell.
- Hudson, R.A. (1996). *Sociolinguistics*. Cambridge: University Press.
- Hyman, Larry M. (1975). *Phonology: Theory and Analysis*. Holt: Rinehart and Winston.
- Kenstowicz, M. (1994). *Phonology in Generative Grammar*. Oxford: Blackwell.
- McCarthy, J. (1988). "Feature Geometry and Dependency". *Phonetica*. No. 43. Pp. 84-108.
- \_\_\_\_\_ (2004). *Optimality Theory in Phonology*. Oxford: Blackwell.
- Yule, G. (1947). *The Study of Language*. Cambridge: University Press.

#### Translated Resources:

- Arlotto, Anthony (1994). *Introduction to Historical Linguistics*. Boston: Houghton Mifflin [In Persian].
- Bijankhan, Mahmood (2005). *Phonology: Optimality*. Tehran: SAMT [in Persian].
- Dadman, Naser (1976). *Grammar, Evolution, and Culture of Isfahani Dialect*. Isfahan: Mashal [In Persian].
- Kalbasi, Iran (1991). *Isfahani Persian*. Tehran: The Institute for Cultural Studies. [In Persian].
- \_\_\_\_\_ (1994). *The Dialect of Jews in Isfahan: An Iranian Dialect*. Tehran:



The Center of Cultural Studies and Humanities [In Persian].

- Kord Zafaranloo Kambuzia, Aliye (2003). "The Structure of Diminutive Nouns in English". *The Journal of Language and Literature of Sistan-Baluchestan University*. 1. Pp. 123-131 [In Persian]
- Management and Planning Organization of Isfahan Province (2009). *Statistics of Isfahan Province*. Isfahan [In Persian].
- Mirdehghan, Mahin-naz & Shirin Mehmanchian-Saravi (2001). "A Study of Word Order of Saravi Dialect in Minimalism". *Jostarhaye Zabani*. 3. Pp. 54-83 [In Persian].
- Rasekh-Mahand, Mohmmad & Rahele Izadifar (2010). "The Impact of Definiteness on Object Marker in Tati, Taleshi, and Baluchi". *Jostarhaye Zabani*. 2: Pp. 22-41 [In Persian].
- Sepanta, Sasan (1997). "A Study of Some Aspects of Phonetic Systems in Some Dialects of Central Iran". *Nameye Farhangestan*. 3. Pp. 69-84 [In Persian].
- Tafazzoli, Ahmad (1971). "Information about the Previous Dialect of Isfahan". *Nameye Minavi*. Pp. 85-103 [In Persian].